



بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی - 28 / آبان / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید؛ جلسه، بسیار جلسه‌ی مهم و سنگینی است. از اینکه فرصت نشد که تعدادی از دوستان بیانات خودشان را اینجا بیان کنند، بنده هم مثل خود آنها متأسفم؛ راهش این است که آن چیزی را که یادداشت کرده‌اید، نوشته‌اید که اینجا بخوانید یا بگویید، به ما بدهید. بعضی از برادران هم از وسط [جمعیت] دست بلند کردند که صحبت کنند، چون اختیار این جلسه به دست مجری (۲) محترم است، بنده دیگر اظهار نظری نسبت به آنها نکردم و نمیکنم.

این دیدار امشب در درجه‌ی اول برای تکریم تولیدکنندگان است؛ اساس این جلسه برای این است. ما خواستیم در افکار عمومی کشور این حرف جا بیفتد که نظام جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه به تولیدکنندگان و ترویج‌کنندگان صنعت داخل، کشاورزی داخل، تولید داخل، خدمات داخل اهمیت می‌دهد و آنها را تکریم میکند؛ و این بحمدالله حاصل شد. حالا بنده اگر مطلبی هم بگویم یا نگویم، آن چیزی که مورد نظر ما بود تا این ساعت تحقق پیدا کرد. حرفهایی هم که دوستان اینجا بیان کردند که من با دقت گوش کردم، بسیار حرفهای مهم و قابل توجهی بود. البته برای اینکه انسان روی پیشنهادها تصمیم بگیرد، احتیاج است به اینکه تأمل بشود، فکر بشود، با کارشناس‌ها مشورت بشود؛ لکن آنچه شما باید مطمئن باشید و بدانید این است که من از این دندان معتقد به این حرکتیم. بنده معتقدم که علاج مشکلات کشور، کلید حلّ معضلات کشور عبارت است از ترویج تولید داخلی در بخشهای مختلف. خب خوشبختانه امشب این تعدادی که صحبت کردند - ده نفر امشب صحبت کردند، یعنی ما در ده بخش مهم تولیدی کشور حرف برای گفتن داریم - حرفهایی که آقایان زدند، حرفهای بسیار مهم و بسیار درستی است. بنده هم در شنیدن، آدم خبره‌ای هستم؛ اینجا زیاد می‌آیند و حرف می‌زنند، بنده اینجا می‌نشینم و می‌شنوم حرفها را؛ حرفها سنجیده بود، حرفهای خوبی بود، حرفهای مهمی بود. در این جلسه یک تعدادی از مسئولین محترم حضور دارند، لکن این کافی نیست؛ ای کاش در این جلسه تعداد بیشتری از مسئولین دولتی - بخشهای مختلف دولت - و همچنین تعدادی از [نمایندگان] مجلس شورای اسلامی بودند و این حرفها را می‌شنفتند؛ یا آن کسانی که در مورد تولید یا رونق اقتصاد کشور جور دیگری فکر میکنند، جای دیگری چشم میدوزند، اینها می‌آمدند می‌دیدند راه این است، دریچه‌ی منتقل‌کننده‌ی حیات و روشنایی و نیرو به داخل کشور همین دریچه‌ی بازشده‌ی به وسیله‌ی عناصر متصدی و متکفل تولید است؛ راه غیر از این نیست.

من این را عرض بکنم: اینکه ما اهمیت میدهیم به مسائل اقتصاد، چون در نظام اسلامی، اقتصاد نقش بسیار مهمی دارد. اینکه بعضی تصور کنند که در نظام اسلامی به مقوله‌ی تولید ثروت و گسترش رفاه عمومی و تولید بنگاه‌های مهم ثروت‌ساز بی‌اعتنائی شده، خطای بزرگی است؛ چنین چیزی نیست. یکی از ارکان مهم نظام اسلامی ثروتمند کردن جامعه و کشور است؛ ثروت ملی. البته نوع نگاه نظام اسلامی به ثروت با نوع نگاه حکومتهای مادی و سیستم‌های مادی - چه با آنچه در دنیا، سرمایه‌داری و تحت عنوان لیبرالیستی شناخته میشود؛ چه با آنچه تحت



عنوان مارکسیستی و نظام سوسیالیستی و مانند اینها شناخته میشود- تفاوت دارد. در نظام اسلامی، تولید ثروت ملّی یک ارزش است، توزیع ثروت ملّی به نحو عادلانه هم یک ارزش است. آن مساواتی که در نظام سوسیالیستی ادّعی آن میشد و البته هرگز تحقق پیدا نکرد، آن مساوات را اسلام قبول ندارد. در اسلام، مساوات به آن معنای سوسیالیستی‌اش اصلاً معنی ندارد، امّا برخورداری عمومی چرا؛ عموم باید برخوردار باشند. آنهایی هم که شعار مساوات میدادند، عملاً، با اطلاع روشن و کاملی که ما داریم از حکومت‌های کمونیستی - چه حکومت‌های اصلی و مادر کمونیستی مثل شوروی و بقیّه، و چه حکومت‌های تبعه‌ی کمونیستی، حکومت‌های آمریکای لاتین و حکومت‌های آفریقایی و بعضی از حکومت‌های آسیایی- [در آنها] مطلقاً آن مساوات وجود نداشت و اصلاً قابل تحقق هم نبود. اسلام اینها را قائل نیست؛ اسلام معتقد است به تولید ثروت ملّی و بالا رفتن سطح رفاه عمومی جامعه. البته در جامعه، یک عده‌ای بیشتر دارند، یک عده‌ای کمتر دارند؛ این اشکالی ندارد؛ منتها منابع عمومی بایستی عادلانه توزیع بشود؛ این نگاه اسلام به ثروت است. طبعاً در نظام اسلامی، شکاف طبقاتی پیش نمی‌آید؛ آن شکاف و آن درّه‌های طبقاتی دیگر تحقق پیدا نمیکند؛ تفاوت هست، امّا آن شکاف طبقاتی دیگر نیست.

آنچه من میخواهم به شما بگویم در درجه‌ی اوّل، این است که این عرصه‌ی تولید و رونق اقتصادی و اوج گرفتن ثروت ملّی و رفاه عمومی در کشور، مثل همه‌ی عرصه‌های دیگر احتیاج دارد به پیشروانی، فرماندهانی، صفوف مقدّمی؛ آن پیشروان و فرماندهان و صفوف مقدّم، شماها هستید؛ شما تولیدکنندگان. بنده صرفاً جمع حاضر در این جلسه را نمیخواهم بگویم؛ این نوع، این حرکت، همین آقایانی که صحبت کردند، فعالیت‌های خودشان را گفتند، اینها صفوف مقدّم و خط‌شکن‌های این عرصه و این میدان‌اند؛ این میدان هم میدان مهمّی است، میدان خطیری است، میدان جنگ است.

جنگ اقتصادی در دنیا به شکلهای مختلفی وجود دارد. آن کسانی که دستشان در کار مسائل اقتصاد بین‌المللی است، بروشنی می‌بینند که کشورها و قدرتها، و همه‌ی دنیا با هم سر مسئله‌ی اقتصادی جنگ دارند؛ حالا مثلاً در این دوره‌ی ریاست جمهوری آمریکا این جنگ و دعوا ظهور و بروز پیدا کرده؛ با چین یک جور، با کره‌ی جنوبی یک جور، با اروپا یک جور، با دیگران یک جور، امّا این جور نبوده که در زمان غیر او این نباشد؛ چرا، به انواع مختلف؛ منتها این جنگ یک جاهایی جنبه‌ی وحشیانه و کینه‌ورزانه میگیرد؛ مثل جنگی که با ما در زمینه‌ی اقتصاد دارد میشود، که این تحریم‌ها دیگر جنبه‌ی کینه‌ورزانه و جنایت‌آلود به خودش گرفته؛ البته تحریم از اوّل انقلاب بود، [امّا] در این ده سال اخیر طبعاً شدت بیشتری پیدا کرده؛ و این تحریم فعلاً خواهد بود؛ اینکه کسی امید ببندد به اینکه حالا یک سال دیگر، دو سال دیگر این تحریم تمام میشود، خیال باطل است، این را من به شما عرض بکنم. با آشنایی‌ای که با مسائل این جبهه ما داریم، آنچه بنده میفهمم، این تحریم حالاحالاها هست، باید باشد و خواهد بود. ما برای نجات اقتصاد کشور، چشممان را، امیدمان را نبندیم به اینکه حالا کی بشود این تحریم برداشته بشود یا این شخص نباشد یا آن جمع نباشد یا این کشور چنین بکند، نه؛ اینها تأثیری ندارد، این تحریم هست. حالا البته یک زرنگی‌هایی بعضی میکنند، تحریم را دُور میزنند، خیلی هم خوب است، عیبی ندارد، دستشان درد نکند امّا کار اساسی مصون‌سازی اقتصاد کشور از آسیب دیدن از تحریم است؛ کار اساسی این است. دُور زدن تحریم یک تاکتیک است، مصون‌سازی کشور در مقابل تحریم، یک راهبرد است، باید این کار را کرد، باید کاری کرد که ما در مقابل تحریم آسیب‌پذیر نباشیم. الان این جور نیست، الان اقتصاد ما متکی به نفت است؛ حالا خوشبختانه با تحریم نفت، یک خرده کمتر شده، ترکیب تراز بازرگانی فرق کرده امّا علی‌الاصول اقتصاد ما متکی به نفت است. خب نفت یک چیز آسیب‌پذیر است؛ وقتی که ما برای بودجه‌ی دولت - نه فقط بودجه‌های عمرانی و سازندگی کشور، حتی برای بودجه‌ی



جاری‌مان- می‌خواهیم از پول نفت استفاده کنیم، همین وضع پیش می‌آید، ما آسیب‌پذیر می‌شویم، ما این را باید علاج کنیم.

این حرفی که بنده [میزنم]، حرف امروز من هم نیست، من از دهه‌ی ۷۰ از دولت مرحوم آقای هاشمی (رحمة الله علیه) -برادر عزیز و رفیق عزیزمان- به خود او و به وزرائش می‌گفتم باید کاری کنیم که ما وابستگی‌مان را به نفت بتدریج کم کنیم؛ این صندوق توسعه‌ی ملی که شما ملاحظه می‌کنید، اصلاً برای این به وجود آمد. معنای صندوق توسعه‌ی ملی این است که هر سالی چند درصد از درآمد نفت را ما از اختیار دستگاه‌های مصرف‌کننده خارج کنیم، بگذاریم در یک صندوقی؛ البته آن صندوق هم دست دولت است، منتها مصرف آن صندوق، دیگر مصرف در امور جاری نیست؛ [قرار بود] همین طور دائم، بتدریج زیاد بشود که امسال اگر قرار بود به همان ترتیب قانونی پیش برود، بایستی حدود ۳۵ درصد از درآمد نفت میرفت داخل صندوق توسعه، منتها دولتی‌ها در همه‌ی دوره‌ها -نه فقط دولت کنونی- سر قضایای مختلف می‌آیند اصرار می‌کنند که [برداشت کنند]؛ قانونی هم نیست؛ چون قانونی نیست، به بنده مراجعه می‌کنند و اصرار، التماس که این مشکل است و شما اجازه بدهید ما مثلاً فلان مقدار از صندوق توسعه برداریم. متأسفانه صندوق توسعه کم‌اثر شده، کم‌خاصیت شده. بنده هم گفته‌ام وقتی شخص رئیس‌جمهور به من بنویسد که این ضرورت است، اضطراری است، من قبول می‌کنم، من موافقت می‌کنم که این کار انجام بگیرد. البته صندوق دست خود دولت است؛ رئیسش را هم دولتی‌ها می‌گذارند؛ اداره‌اش هم دست آنها است، دست ما نیست، منتها اجازه‌ی برداشت در این شکل غیر قانونی را حقیر بایستی متحمل بشوم و اجازه‌اش را بنده باید بدهم؛ بنابراین مشکل فقط این است. ما بایستی یک مسیری را که این مسیر، مسیر جدیدی است، مسیر نوینی است، انتخاب کنیم و در این مسیر با جدیت حرکت بکنیم؛ مسیر تولید داخلی.

اینکه یکی از دوستان عزیز ما اینجا گفتند که [از نظر برخی] «بی‌خطرترین کار، تصمیم نگرفتن است»، این جزو خطرناک‌ترین افکار است؛ یکی از خطرناک‌ترین فکرها همین فکر است که آدم بگوید «چون من اگر تصمیم بگیرم فلان دستگاه نظارتی این جوری می‌گوید، فلان مانع‌تراش این جوری می‌گوید، پس راحت‌تر این است که تصمیم نگیرم»؛ این بسیار خطرناک است؛ نه، باید تصمیم بگیرید، باید اقدام کنید، باید با سختی‌ها بسازید؛ موانع را بایستی برطرف کنید؛ تا الان هم خیلی از موانع برطرف شده؛ خوب ملاحظه می‌کنید دیگر. خیلی از این مجموعه‌هایی که امشب صحبت کردند، در بخشهای مختلف کارهای موقعی دارند؛ ده سال پیش این جوری نبود، پانزده سال پیش این جوری نبود، [بلکه] بتدریج امکانات فراهم شده؛ بنده هم پشت قضیه ایستاده‌ام؛ این را شما بدانید که من دفاع می‌کنم، کمک می‌کنم؛ تولید بایستی در کشور پیشرفت پیدا کند؛ علاج کار این است. خوب، پس راهبرد اساسی ما مصون‌سازی اقتصاد از تحریم است؛ آسیب‌ناپذیر کردن و در واقع مسلح کردن انقلاب به سلاح تولید داخلی و اراده‌ی داخلی و مانند اینها.

یکی از برکاتی که بر این معنا مترتب می‌شود، یعنی اینکه ما به سمت تحرک داخلی برویم، این است که اقتصاد کشور از شرطی‌شدن خارج می‌شود؛ یکی از بدترین مشکلات در کشور همین است که ما اقتصاد را شرطی کنیم. متأسفانه اقتصاد ما در این چند سال اخیر شرطی است؛ «ببینیم چه می‌شود؛ شش ماه دیگر چه می‌شود؛ برجام چه می‌شود» و مانند اینها. حالا هم بعضی سعی می‌کنند باز دوباره اقتصاد را شرطی کنند؛ «ببینیم ابتکار رئیس‌جمهور فرانسه چه می‌شود؛ فلان ابتکار چه می‌شود»؛ اینها را باید بگذارند کنار. کاری می‌خواهند بکنند، بکنند؛ کاری را که



ممنوع نیست و عبور از خطوط قرمز نیست، انجام بدهند، اما اقتصاد را متوقف به آن نکنند، افکار عمومی را به او متوجه نکنند. افکار عمومی بداند:
کهن جامه‌ی خویش پیراستن
به از جامه‌ی عاریت خواستن (۳)
خودمان بایستی به کار خودمان برسیم.

و در داخل، ظرفیتهای خیلی بالا است، خیلی بالا است. شما بهتر از من میدانید، من هم البته بی‌اطلاع نیستم اما شماها خودتان که در بخشهای مختلف تولیدی دارید کار میکنید، خوب میدانید که ظرفیتهای کشور چقدر بالا است. همین آقایان و این خانمی که اینجا صحبت کردند، در واقع تبیین کردند بخشی از ظرفیتهای کشور را در آن رشته‌ای که خودشان در آن رشته دارند کار میکنند. گله‌ها و دغدغه‌ها که گفته شد، معنایش این است که در این بخش، ظرفیتهای استفاده‌نشده‌ای وجود دارد که با این موانع نمیتوانیم از آنها استفاده کنیم، موانع را برداریم تا بشود استفاده کرد. پس ببینید، همه‌ی حرف در این جلسه‌ی امشب ما این است که ظرفیتهای کشور بی‌نهایت است، فراوان است، از بخشی از آنها استفاده شده و بحمدالله اثربخشی داشته، از بسیاری هم استفاده نشده؛ اگر بتوانیم از آن ظرفیتهای استفاده کنیم [اقتصاد مصون میشود]؛ که ان‌شاءالله به برکت این تحریم، استفاده خواهیم کرد؛ این تحریم از این جهت میتواند -یکی از دوستان هم اینجا گفتند؛ حرف درستی است- به جای تهدید برای ما، تبدیل بشود به فرصت.

ضمناً به این هم توجه کنیم، ما ملت ایران، ما فعالان اقتصادی، ما اندیشمندان مجموعه‌ی کارهای کشور، اگر توانستیم با تکیه‌ی بر توان داخلی، تحریم را بی‌اثر بکنیم، آن عامل تحریم‌کننده هم از تحریم دست برمی‌دارد؛ یعنی او هم وقتی فهمید تحریم فایده‌ای ندارد، از تحریم دست برمی‌دارد، چون آنها هم دارند متضرر میشوند. الان اروپایی‌ها و دیگران، از تحریم ما متضررند ولی خب روابط پیچیده و در هم تنیده‌ی اقتصادی بین‌المللی به آنها اجازه نمیدهد کارهایی را بکنند؛ وقتی او دید تحریم بی‌اثر است، او هم از تحریم دست برمی‌دارد. البته وقتی او از تحریم دست برداشت، ما نباید سیاست تکیه به داخل را باز عوض کنیم. بعضی منتظرند که راه، آن طرف باز بشود، باز سر ماشین را کج کنند به آن سمت؛ این غلط است. ما باید اطراف سیاستهای تکیه به داخل را آن چنان محکم و استوار نگه داریم که ولو حالا به فرض که تحریمها هم برداشته شد -خیلی خب، امکانات بیشتری در اختیار ما قرار خواهد گرفت؛ از مسئله‌ی صادرات و امکانات گوناگون و مانند اینها استفاده کنیم- اما به آن حرکت تکیه‌ی به داخل، ضربه زده نشود.

یکی از مزیت‌های بزرگ کشور عبارت است از فرصت جمعیت جوان کشور -چقدر من لذت بردم که این برادرمان گفت: من چهار هزار جوان را در این بخش مشغول به کار کردم؛ واقعاً انسان لذت می‌برد- به تعبیر این جمعیت‌شناس‌ها «پنجره‌ی جمعیتی». ما امروز در دل این فرصت قرار داریم. [طبق] آنچه به من گزارش دادند، آدمهایی که تخصصی در این کار دارند و کارشناس این کارند میگویند این فرصت تا بیست سال دیگر ادامه خواهد داشت؛ ما بیست سال این فرصت را داریم؛ اگر در این بیست سال توانستیم پایه‌های کار خودمان را محکم کنیم که بُرد کردیم؛ اگر غفلت کردیم و این بیست سال فرصت از دستمان رفت و کشور وارد عرصه‌ی سالمندی و فرسودگی شد، دیگر کاری نمیشود کرد.



خب در این بیست سال از این فرصت چه استفاده کنیم؟ دو مطلب اساسی هست: یکی مسئله‌ی جمعیت که نگذاریم جمعیت کاهش پیدا کند، نگذاریم جمعیت جوان کاهش پیدا کند، موالید را افزایش بدهیم؛ دوّم ایجاد ثروت پایدار برای کشور؛ این دو کار باید انجام بگیرد. اینکه بنده نسبت به موالید و مسئله‌ی فرزندآوری و مانند اینها این همه اصرار میکنم، معنایش این است؛ یعنی اگر چنانچه به این مسئله بی‌توجهی بشود - که متأسفانه در برهه‌ی طولانی‌ای بی‌توجهی شده - اگر این بی‌توجهی ادامه پیدا کند و همه به فکر فرزندآوری نیفتند و این حرکت عظیمی که در کشور لازم است انجام بگیرد، انجام نگیرد، بیست سال آینده - که مثل برق خواهد آمد؛ بیست سال زمان زیادی نیست - وارد یک مسیری خواهیم شد که دیگر کار برایمان بسیار مشکل خواهد شد. یکی هم مسئله‌ی ثروت‌آفرینی [است].

مزیت‌های کشور زیاد است، ظرفیتهای کشور زیاد است؛ همه هم تکلیف دارند. من اینجا، هم برای فعالان اقتصادی، هم برای عموم مردم، هم برای نخبگان دانشگاهی، هم برای نهادهای عمومی غیر دولتی، هم برای دستگاه‌های رسانه‌ای - که یک گله‌ای هم یکی از آقایان کردند - هم برای دستگاه‌های دولتی، توصیه‌هایی یادداشت کرده‌ام که بخواهم همه‌ی اینها را بگویم قطعاً وقت کفاف نمیدهد، مجبورم کوتاه کنم.

در مورد فعالان اقتصادی که شماها باشید، یک کلمه فقط عرض میکنم که مخاطب سیاستهای اصل ۴۴ شما هستید؛ اصلاً مخاطب این مسئله‌ی اصل ۴۴ و آن چهارچوب کذائی آن که ما این را آمدیم با نگاه قانونی، با نگاه حکمت‌آمیز باز کردیم و سیاستهای اصل ۴۴ را بیان کردیم برای مردم، تبیین کردیم برای مردم، شما هستید. البته آن روزی که این سیاستها ابلاغ شد، همه تأیید کردند؛ یعنی من آن روز یادم نمی‌آید که حتی یک نفر از کسانی که جزو منتقدین اقتصادی‌اند، صاحب‌نظران اقتصادی‌اند، اعتراض کرده باشند؛ همه تأیید کردند، همه گفتند کار درستی است و همین هم هست، درست بود، مسئولین دولتی هم همین جور. البته درست عمل نشده؛ اینکه به بهانه‌ی اصل ۴۴، فلان کارخانه را بدهند به یک آدم سوءاستفاده‌چی که کارخانه را برچیند و برج بسازد، تقویت بخش خصوصی نیست؛ و همین هم چقدر فضا را خراب کرد. در بین فعالان اقتصادی و آن کسانی که شرکتهای دولتی به اینها داده شده، شاید یک درصد هم آن جور کاری نکردند، بقیه سالم عمل کردند، اما همان یک درصد وقتی گفته شد، تکرار شد، دنبال شد، موجب این شد که یک بدبینی‌ای به وجود بیاید که «چرا این جور است». من به شما عرض بکنم مخاطب شما هستید؛ سیاستهای اصل ۴۴ برای شما که فعال اقتصادی هستید، هم حق ایجاد میکند، هم تکلیف ایجاد میکند؛ مسئولیت دارید؛ بروید قضیه را دنبال کنید.

اینجا من یادداشت کرده‌ام: زنجیره‌های تخصصی را با برنامه‌ی عملیاتی و نقشه‌ی راه تشکیل بدهید، دنبال کنید؛ یعنی از تولید علم، فناوری، طراحی و مهندسی تا ساخت تجهیزات، تا ماشین‌آلات، تا تأمین موادّ اولیه، تا تولید محصول، بازاریابی، توزیع، اینها همه کارهایی است که بر عهده‌ی شما است که باید ان شاء الله انجام بدهید.

البته این را هم بگویم: بنده اعتقاد زیادی به تعاونی‌ها دارم. اینکه رئیس محترم تعاونی بیان کردند، کاملاً مورد قبول و تصدیق من است. تعاونی‌ها بسیار پدیده‌ی مطلوبی هستند برای اقتصاد ما؛ سرمایه‌های خرد را جمع میکنند، تک‌تک افراد را توانمند میکنند، اشتغال فراوان ایجاد میکنند؛ بعد اگر بشود این تعاونی‌ها را شبکه‌سازی کرد، در یک شبکه‌ای جمع کرد، یک مجموعه‌های عظیمی به وجود می‌آید. خیلی برکات دارد؛ این تعاونی‌ها را باید دنبال کنند. وزیر محترم هم اینجا است؛ (۴) حتماً با جدیت مسئله‌ی تعاونی‌ها را دنبال کنید و این مشکلاتی را که ذکر کردند



در مورد تعاونی‌ها، برطرف کنید.

در مورد عموم مردم، توصیه‌ی من به مردم مکرراً گفته شده. عرض من این است به مردم عزیزمان که از کالای ساخت داخل حتماً استفاده کنند و آن کسانی که میتوانند، در سرمایه‌گذاری‌های مولد حتماً شرکت کنند، از جمله در همین تعاونی‌ها یا یک جاهایی در بورس.

فرهنگ کار جهادی و همکاری و تعاون را مردم بین خودشان، کسانی که میتوانند، حوزه‌ی نفوذی در بین مردم دارند، ترویج بکنند. خوشبختانه مردم ما آماده‌اند. شما ملاحظه کنید یک سیل می‌آید، یک زلزله می‌آید، مردم خودشان بدون اینکه کسی به آنها بگوید، وارد میدان میشوند. این تجربه‌ی ما است، مال امروز هم نیست؛ از قبل از انقلاب هم همین جور بود. من خودم چند تجربه‌ی موفق عینی شخصی دارم در قضیه‌ی کمکهای مردمی و تعاونهای مردمی برای این جور حوادث. در همین قضیه‌ی سه روز پیش که در خیابانهای تهران یخ و بارندگی بود، تلویزیون نشان داد، من دیدم که چند نفر آدم، چند نفر مسلمان، آمدند شن و نمک آوردند! [اینها] نه عضو شهرداری‌اند، نه عضو خدمات شهرداری‌اند، نه عضو نیروی انتظامی‌اند، [بلکه] مردم معمولی‌اند، این خیابان هم خیابان متعلق به آنها معلوم نیست باشد، آن ماشین‌هایی هم که دارند میروند ماشین‌های آنها نیستند، اما ماشین گیر کرده، روی یخ نمیتواند حرکت کند، آمده شن میپاشد! یعنی مردم ما این جوری هستند؛ آماده‌اند. از این روحیه استفاده بشود برای ترویج کار جهادی. کار تولیدی را مردم تکریم کنند، احترام کنند به تولیدکننده و فعال سالم اقتصادی. رفتارهای غلط را مردم زشت بدانند، منتها تعمیم ندهند. آنچه ما تأکید میکنیم این است که یک کار غلط را، یک کار زشت را که در یک جایی می‌بینند، تعمیم ندهند به همه؛ خوب در هر جمعی ممکن است یک آدم نابابی وجود داشته باشد، که وجود هم دارد.

یک چیزی هم در مصنوعات آحاد مردم، در همین کارها و تولیدهای کوچک، انسان مشاهده میکند که گاهی یک چیزی را تولید میکنند، تولید خیلی خوبی [هم] هست، نشان فرنگی به آن میزنند؛ من تعجب میکنم؛ نشان فرنگی. یک مقدار جنس برای یک منطقه‌ی محرومی سفارش شده بود، تهیه شده بود، یک نمونه‌اش را آوردند پیش من، من دیدم این یک نشان خارجی [دارد]؛ گفتم مگر نگفتید این تولید داخل است، بنا بود در داخل [تولید شود]؛ گفتند نه، این داخلی است، خیاطش هم فلانی است، اما این [نشان] را زده؛ گفتم بکنید این را؛ این یکی از کارهای بد است که تولید داخلی را با نشان خارجی بیاورند به [مردم] بدهند.

در مورد نخبگان علمی و دانشگاهی هم بارها من گفته‌ام: [اول] پرداختن به حل مسائل اصلی اقتصاد [لازم است]. ما در کشور مسائل فراوانی در زمینه‌ی اقتصاد داریم؛ دانشگاه‌ها میتوانند روی اینها کار کنند و [آنها را] حل کنند.

دوم، میتوانند با دستگاه‌های تولیدی همکاری کنند، هم‌افزایی کنند؛ هم آنها به دستگاه تولیدی کمک میکنند، هم دستگاه تولیدی پاداش این کار را میدهد و مزد این کار را میدهد و به پیشرفت تحقیقات دانشگاهی کمک میکند. یک کار بسیار بابرکت و لازمی است این کار؛ البته سالهایی است که شروع شده؛ باید این ادامه پیدا کند.

تربیت نیروی انسانی خلاق و مبتکر و متناسب با نیازهای امروز. و کار علمی در مورد همین نظام بانکی و مسئله‌ی بودجه‌ریزی؛ اینها مشکلات ما است. ما الان در زمینه‌ی بودجه‌ریزی واقعاً مشکل داریم. بنده هم، سفارش کرده‌ام،



تأکید هم کرده‌ام، چهار ماه هم از اوّل سال فرصت دادیم که در این چهار ماه، نظام بودجه را اصلاح کنید؛ خوب نشده دیگر. گره علمی وجود دارد؛ این را باید دانشگاه‌ها حل کنند؛ در نظام بانکی ما هم همین جور است. ماه رمضانها که من با دانشجو و استاد جلسه دارم، می‌آیند اینجا ساعتها صحبت میکنند، نظرات بسیار خوبی را ابراز میکنند؛ نه فقط اساتید، حتی دانشجویان؛ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشجوی دکتری می‌آیند اینجا صحبت میکنند، حرفهایی میزنند که انسان استفاده میکند از این حرفها؛ بنده واقعاً استفاده میکنم؛ صاحب‌نظرند، میتوانند حل کنند؛ دستگاه‌های دولتی از اینها استفاده کنند، از اینها بخواهند و اینها هم اقدام کنند.

توصیه‌ی مؤکد بنده به نهادهای عمومی غیر دولتی این است که در کارهای اقتصادی مطلقاً رقیب بخش خصوصی نشوند. این، آن حرفی است که ما به همه‌ی نهادهای عمومی غیر دولتی گفتیم و میگوییم. در جاهایی که بخش خصوصی، یا توان لازم و امکانات را ندارد، یا رغبتی ندارد، وارد بشوند؛ اگر چنانچه بعد از مدتی بخش خصوصی وارد آنجا شد، اینها از آنجا هم به یک نقطه‌ی دوردست‌تر و سخت‌تری مهاجرت کنند و بروند آنجا کار کنند، سرمایه‌گذاری کنند؛ و جداً از رقابت با بخش خصوصی پرهیز کنند.

[در مورد] دستگاه‌های حکومتی، عمده‌ی توصیه‌های ما اینها است: اوّلین مطلبی که من اصرار دارم که دستگاه‌های حکومتی بجد دنبالش باشند، مسئله‌ی بهبود فضای کسب و کار است؛ همه‌ی این چیزهایی که این آقایان گفتند ناشی از عدم بهبود فضای کسب و کار است؛ قوانین مزاحم، مقرّرات مزاحم، عملکرد احیاناً غلط، نه از روی غرض‌ورزی که یک جاهایی هم ممکن است از روی غرض‌ورزی باشد. باید محیط مساعد تولید را در کشور به وجود بیاورند؛ یعنی محیط مساعدی به نفع حرکت تولیدی و جهت‌گیری تولید، در مقابل جهت‌گیری واردات و تکیه‌ی به خارج. ما متأسفانه یک میراث بسیار تلخ و شومی از رژیم طاغوت داریم؛ آنجا اساس اقتصاد، اساس تحرکات اقتصادی و تجاری و مانند اینها مبتنی بود بر تکیه‌ی به واردات؛ این منتفی نشده، انقلاب خیلی از بنیانهای غلط را عوض کرد، [اما] این را نتوانسته متأسفانه بدرستی عوض کند؛ باید جدّیت بشود در این قضیه. فضای کشور را، فضای اقتصادی کشور را، فضای مالی و پولی کشور را، بانک را، گمرک را، بودجه را، تأمین اجتماعی را، مقرّرات اینها را در جهتی سوق بدهند که به نفع تولید باشد؛ واردات و واسطه‌گری و سفته‌بازی و مانند اینها در انزوا قرار بگیرد؛ این مهم‌ترین مسئله است.

تعامل تک‌ریم‌آمیز با فعالان سالم و معتبر؛ خوشبختانه جمع‌کثیری از فعالان اقتصادی ما مردمان سالم و معتبر و ریشه‌دار هستند، دارند واقعاً کار میکنند، بعضی برای خدا هم کار میکنند. البته بخش خصوصی به دنبال سود شخصی است و اشکالی هم ندارد اما بعضی در کنار این [برای خدا کار میکنند]؛ من دیدم کسی را که پولدار بود، از آشناهای مشهد ما بود، گفت که من میتوانستم این پول را بگذارم در بانک و یک سود کلانی از آن بگیرم بدون هیچ دردسری، بدون مالیات، بدون مشکل، بدون بررسی و غیره، [اما] دلم نیامد - در کار پرورش مرغ و مانند آن بود - رفتم گذاشتم آنجا؛ کار پردردسر، تولیدی اما محض رضای خدا؛ گفت دیدم برای انقلاب، این لازم است. ببینید، سود هم میبرد اما خدا هم به او ثواب میدهد. یکی این مسئله.

قوانین و دستورالعمل‌های مزاحم - که این مربوط به مجلس است - باید نسخ بشود، با مقرّرات تسهیل‌کننده جایگزین بشود. در برخی از قوانین، این اتفاق افتاده؛ یعنی قوانین را تغییر داده‌اند به نفع تولید، لکن اجرائی نشده، قوانین خوبی گذاشته شده، بعضی‌هایش قانون‌گذاری شده، [لکن] اجرائی نشده، باید اجرائی بشود. مشکلات عمده‌ی



ما در همین زمینه‌ی بانک و گمرک و مانند این چیزها است؛ اینها بایستی برطرف بشود که مجلس و دولت باید در این زمینه بجد فعالیت کنند.

بعضی از خطاها در زمینه‌ی تولیدکنندگان به وجود می‌آید، این خطاها همه در یک سطح نیست؛ این جور نیست که هر خطائی موجب این بشود که دستگاه‌های نظارتی بیایند بریزند سر آن واحد تولیدی و مشکلات برایش درست کنند؛ این توصیه‌ی ما است به [این] دستگاه‌ها. البته بعضی‌ها خیانت میکنند؛ آن حسابش جدا است اما برخی از خطاها و اشتباهات هست که باید با تذکر و فرصت دادن برطرف بشود. خوشبختانه رئیس محترم قوه‌ی قضائیه چندی پیش، شاید هفته‌ی پیش به من گفت که ما فلان تعداد -یک رقم خیلی بالایی- واحد تولیدی را که در شرف تعطیل بود، رفتیم و نگذاشتیم تعطیل بشود. خب خیلی خوب است، باید دستگاه‌های نظارتی به این مطلب توجه داشته باشند.

یک مطلب هم در توصیه‌های لازم به دولت، عبارت است از ثبات در سیاستهای پولی و مالی؛ ثبات در سیاستها. سیاستهایی که هر چند ماه یک بار یا یک سال یک بار تغییر پیدا کند، ضربه‌های سختی به تولید کشور میزند.

یک نکته‌ی دیگری که وجود دارد -که این هم باز ناشی از همین تجربه‌ی مبادلات با خارجی‌ها و مانند اینها است- [این است]: تجربه نشان داده که شرکتهای خارجی حاضر به انتقال فناوری‌های پایه و اساسی به کشور نیستند؛ حالا اینجا دوست ما گفتند که ما به فلان کشورها فناوری را صادر کردیم؛ گفتیم خوشا به کرمتان که فناوری را صادر میکنید! دیگران محصول را صادر میکنند، فناوری را صادر نمیکنند، فناوری را صادر نمیکنند به ما؛ نمیگوییم شما هم این کار را بکنید؛ نه، یک وقت هم شما لازم است فناوری را صادر کنید، خیلی هم خوب است، اعتبار هم هست برای کشور اما دیگران این کار را نمیکنند؛ بخصوص در زمینه‌های اساسی؛ نفت، خودرو، پتروشیمی، در این مسائل. دستگاه‌های داخلی باید بجد کشور را و دستگاه‌های دولتی را بی‌نیاز کنند. همین طرحی که سال گذشته -یک سال یا دو سال پیش- وزارت نفت داشت که خارجی‌ها بیایند چاه‌های نفت را مثلاً این جوری استخراج کنند و غیره، خب بله، ما یک عقب‌ماندگی‌هایی داریم در این زمینه، [اما] من میگوییم آن فکری، آن اندیشه‌ی دقیقی که میتواند بدون هیچ کمکی سلول‌های بنیادی را در کشور تولید کند -آن روزی که ما تولید کردیم، دست یافتیم، یک صنعت بسیار پیچیده و نادری در دنیا بود- یا میتواند غنی‌سازی اورانیوم را از سه درصد و سه و نیم درصد به بیست درصد برساند در حالی که هیچ دستگاه بین‌المللی و دارندگان این صنعت حاضر نیستند اندکی کمک بکنند، نمیتواند در زمینه‌ی استحصال بهتر و بیشتر چاه‌های نفت به دولت کمک کند؟ قطعاً میتواند؛ یکی از کارهای اساسی همین است. باید برنامه‌ریزی کرد برای فناوری‌های اساسی و از این فرصت تاریخی هم استفاده بشود.

ببینید، شرکتهای مربوط به نفت و شرکتهای مربوط به خودرو، زودتر از همه از کشور خارج شدند؛ بعضی‌ها غصه خوردند؛ میتوان غصه نخورد، خوشحال شد از این حادثه؛ خیلی خب، آنها رفتند، ما این همه امکانات در قطعات خودروسازی داریم؛ که الان گفتند، اینجا یکی از دوستان بیان کردند؛ قطعات مورد نیاز در صنعت نفت، در خودرو، در [صنایع] مهم، در ماشین‌سازی؛ میتوانیم از اینها استفاده کنیم. البته دولتی‌ها میتوانند نقش بسیار مؤثری در این زمینه داشته باشند. قطعه‌سازی در حوزه‌های مختلف -نفت، خودرو، لوازم خانگی، حمل و نقل، ماشین‌آلات- تجمیع بشود، اینها را با همدیگر تبادل کنند، هم‌افزایی کنند، نمایشگاه دائمی برای نشان دادن اینها تشکیل بشود. من قبلاً هم گفتم؛ (۵) چند ماه قبل از این بنده گفتم که نیازهای صنایع مختلف در بخشهایی که گیر و گور دارند در



صنایعشان، احصاء بشود، داده بشود به دستگاه‌های دانش‌بنیان یا به دانشگاه‌ها، اینها کاری را که در این زمینه کردند، نمایش بدهند؛ این اتفاق افتاد، خوشبختانه یک قدم برداشته شد منتها کافی نیست. نمایشگاه دائمی قطعه‌سازی در بخشهای مختلف تشکیل بشود، به وجود بیاید و این کار انجام بگیرد.

یک کار دیگر هم [این است]: توانایی‌های مهندسی و فناوری بسیار بالای دستگاه‌های نظامی منتقل بشود به دستگاه‌های غیرنظامی؛ سطح فعالیت مهندسی ما در بخش نظامی خوشبختانه خیلی بالا است. این کارهایی که الان دارد انجام میگیرد، خیلی مهم است و فقط هم مال امروز نیست؛ الان شاید ده دوازده سال است که کارهای مهمی در زمینه‌ی صنایع نظامی دارد انجام میگیرد. من شاید این را در صحبت‌های عمومی یک بار، دو بار گفته‌ام که یک مقاله‌ای من خواندم از یک ژنرال اسرائیلی در چند سال قبل از این که یک موشکی را بچه‌های ما آزمایش کرده بودند؛ او مقاله نوشته بود در یک جایی - که برای من ترجمه کردند آوردند - که من با ایران بد هستم، با ایرانی‌ها بد هستم اما در مقابل این حرکت تعظیم میکنم: [کشور] ایرانی که در این محاصره‌ی شدید قرار دارد، در حال محاصره بتواند یک چنین کاری بکند! البته بعد از آن کار، کارهای خیلی فراوان بهتر و مهم‌تر و جالب‌تری انجام گرفته؛ اینکه شما می‌بینید موشک بالستیک با برد دو هزار کیلومتر، حداکثر با اختلاف یک متر، دو متر، پنج متر به هدف می‌خورد، چیز خیلی بزرگی است، خیلی چیز مهمی است. خب این توان مهندسی، این توان فناوری میتواند در مورد خودرو، در مورد نفت، در مورد بخشهای گوناگون، در مورد مسائل فضایی، در مسائل غیرنظامی به کار گرفته بشود؛ میشود این کار را کرد. البته خود دستگاه‌های نظامی هم خوشبختانه با دانشگاه‌ها ارتباطاتشان خوب است، از دانشگاه‌ها حداکثر استفاده را میکنند، این را هم دانسته باشید.

یک مسئله هم مسئله‌ی حمایت از صادرات و حضور فعالان اقتصادی در عرصه‌ی خارجی است که این را هم بعضی از دوستان گفتند، کاملاً درست است؛ ما از ظرفیت دیپلماسی‌مان میتوانیم استفاده کنیم. اطراف خود ما، سیصد چهارصد میلیون جمعیت چسبیده‌ی به ما، [یعنی] همسایه‌های ما هستند که با بعضی‌شان هم روابط، عادی و خوب است؛ میتوانیم ما با اینها ارتباطات خوبی داشته باشیم. مسئولین دیپلماسی کشور، نشانهای ایرانی را در بیرون برجسته کنند؛ فرض کنید که وقتی شما در فلان جلسه‌ی بین‌المللی شرکت میکنید، کت و شلوازی که پوشیده‌اید نشان خیاط ایرانی دارد - [مثلاً] یک خیاطی در سمنان این را دوخته، خیلی هم قشنگ دوخته - وقتی این برود، این نشان ترویج میشود؛ [باید] نشانهای ایرانی را ترویج کنند. حرفها و مفاهیم ایرانی را هم ترویج کنند؛ بعضی‌ها عکس این عمل میکنند. یکی از گله‌های ما از بعضی مسئولین کشور در سالهای گذشته این بود که میروند خارج و در جمع اروپایی‌ها صحبت میکنند، حرفی که میزنند یک حرف اروپایی است، یک حرفی است که یک متفکر اروپایی مثلاً صد سال پیش گفته و حالا رسیده به دست ما، ایشان میروند آنجا تحویل آنها میدهد؛ خب اینکه در نظر او ارزشی ندارد، ما خودمان حرفهای نو داریم، حرفهای جدید داریم، حرفهای نشنیده داریم؛ اینها را بگوییم. عین همین قضیه در این نشانهای ایرانی وجود دارد که بایست استفاده بشود. از روش تهاتر در بعضی از اجناس باید استفاده بشود.

مسئله‌ی سیاستهای اصل ۴۴ را هم که عرض کردیم، مجدداً تأکید میکنیم که سیاستهای اصل ۴۴ مسئله‌ی جایگزینی بخش خصوصی به جای بخش دولتی نبود؛ بخش خصوصی شانی دارد، بخش دولتی هم شانی دارد؛ اینها باید به هم کمک کنند، مزاحم هم نباید باشند. ما گفتیم «بخش دولتی مزاحم بخش خصوصی نباشد»؛ یعنی چه؟ یعنی آن کاری را که سرمایه‌ی بخش خصوصی میتواند انجام بدهد، بخش دولتی وارد آن نشود؛ اگر هم هست، بکشد کنار، بگذارد در اختیار بخش خصوصی؛ اینها بشوند مکمل هم. اما معنایش این نیست که بخش دولتی بکلی



از فعالیتهای اقتصادی کنار میرود؛ نه، یک کارهایی هست که جز بخش دولتی یا بخشهای عمومی غیر دولتی، کس دیگری نمیتواند انجام بدهد؛ باید وارد بشوند آنها را انجام بدهند، همان طور که عرض کردیم.

بخش خصوصی و تعاونی باید حتماً توسعه پیدا کند. در بخش نفت و گاز، بخش خصوصی و تعاونی میتوانند حضور همه جانبه داشته باشند. یک قانونی اخیراً در این زمینه تصویب شده - در زمینه صنایع پایین دستی نفت و گاز - این قانون باید اجرائی بشود. بعضی از قوانین تصویب میشود در مجلس، اجرائی نمیشود؛ یعنی آئین نامه های لازم تهیه نمیشود، همین طور میماند. باید سریعاً این کار انجام بگیرد؛ باید دنبال بکنند که این کار انجام بگیرد.

و افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز، ایجاد ذخایر استراتژیک نفت و گاز، اینها چیزهایی است که لازم است و در سیاستهای اقتصاد مقاومتی هم اینها را گفته ایم.

در مورد رسانه ها، من به رسانه ها توصیه میکنم این موفقیتها را منعکس کنند. رسانه ها روی بعضی از دلسوزیها بعضی از اشکالات را منعکس میکنند؛ خیلی خوب، عیبی ندارد، اشکالات را هم منعکس کنند که مسئولین اگر تلویزیون تماشا میکنند، بفهمند که اشکالات کجا است؛ لکن در کنار آن، موفقیتها را [بگویند]. همین حرفهایی که شما زدید، این کارهایی که در زمینه نفت شده، در زمینه آبیاری شده، در زمینه کارهای شیمیایی شده، اینها را منعکس کنند، بگویند به مردم، جوانها بفهمند، بعد هم ظرفیتهای گوناگون فراوانی را که در سطح کشور وجود دارد معرفی کنند که کسانی که استعداد دارند، آمادگی دارند، بروند دنبال اینها. البته مطالبات منطقی فعالان اقتصادی را هم دنبال کنند که دولتیها توجه کنند. امشب یک نکته دیگر را هم ما در مورد رسانه ها از این برادران استفاده کردیم و آن، این است که خارجیها می آیند پولهای کلان می آورند، سی میلیون دلار می آورند داخل و جنس خودشان را تبلیغ میکنند به وسیله مثلاً صدا و سیما جمهوری اسلامی - پول میدهند دیگر - وقتی که این عرضه مشتری پیدا کرد، قیمت میرود بالا؛ قیمت که رفت بالا آن وقت این تولیدکننده داخلی هم که میخواهد برود صدا و سیما، باید همان پول را بدهد، و نمیتواند بدهد. توصیه بنده این است: من نمیگویم آن سی میلیون دلار را نگیرند؛ آن را بگیرید، هر چه میتوانید بیشتر هم بگیرید؛ (۶) اما فرق بگذارید، تعرفه ها را با حساب و کتاب قرار بدهید؛ برای تولیدکننده خارجی یک تعرفه قرار بدهید، برای تولیدکننده داخلی یک تعرفه دیگر قرار بدهید؛ یعنی کاری نکنید که تولیدکننده داخلی نتواند نشان خودش را در کشور ترویج کند.

خب، حرف ما تمام شد. همه بدانند؛ هم دوستان ما، هم دشمنان ما. ما در عرصه جنگ نظامی دشمن را عقب زدیم، در عرصه جنگ سیاسی دشمن را عقب زدیم، در عرصه جنگ امنیتی دشمن را عقب زدیم - همین کارهای این چند روز، کارهای امنیتی بود؛ اینها کارهای مردمی نبود، کار امنیتی بود؛ عقب زده شدند - در عرصه های مختلف دشمن را عقب زده ایم؛ به توفیق الهی، در عرصه جنگ اقتصادی هم دشمن را به طور قاطع عقب خواهیم زد.

امیدواریم که ان شاء الله خدای متعال توفیقات شماها را زیاد کند. و آن طوری که از مسائل مربوط به تولید و آنچه امسال پیش آمده برای من گزارش شده، بنده آینده روشنی را ان شاء الله می بینم در زمینه مسائل اقتصادی، که عرض کردیم کلید آن هم همین تولید است و رونق تولید است و ان شاء الله روزبه روز این راه روشن تر خواهد شد و دوستان ان شاء الله توفیقات بیشتری را به دست خواهند آورد. و بحمد الله اوضاع را، افق را، بنده روشن می بینم؛ یعنی [با توجه به] آنچه در مقابل چشم بنده است، بر اساس تجربه ها و بر اساس اطلاعاتی که بنده دارم، افق را کاملاً



من روشن می‌بینم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، ده نفر از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی مطالبی بیان کردند.
- ۲) آقای مهدی خسروی
- ۳) سعدی
- ۴) آقای دکتر محمد شریعتمداری (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در جلسه حضور داشت.
- ۵) بیانات در دیدار مسئولان نظام (۱۳۹۸/۲/۲۴)
- ۶) خنده‌ی حضار